



ایلیا موسیایی من مرد را دیده بودم. یک ترک رفیقو
بی زبان بود که هلس می دادی، می مرد. یک
پیراهن آبی آسمانی کم حال تنش کرده بود که
شانه های استخوانی اش از زیر پارچه او توشکیده
زار می زد. نمی دانم چرا زن اصرار کرده بود او را
ببینم. احتمالاً درلش خیلی کلنجار رفته بود بابت
خیانت کردن و دست کشیدن و این جور حرف ها
برای همین اصرار داشت که بیایم و شوهرش را
ببینم. نشانی داده بود تا دم خانه شان بیایم و
یک با هم که شده است شوهرش را ببینم. بعد
گفت، خب؟! گفت، خب چی؟! دیدیش؟! گفت،
واقعاً نمی دونم چی تو مغزته. ولی دست بردار...
دیدمش. الان چی؟ خیالت راحت شد؟ کمی به
خودش پیچید و من من کرد. بعد گفت، ولش کن
اصلاً. گفت، من اودم دیدمش... به حرفت کن
گفت، خب؟! گفت، خب ایاهم هیچیم... حالا نوبت
خودته... گفت، من نمی دونم چی کار باید بکنم.
کاری کن یربه یر شیم... خودت رو الکی زن به
اون راه. گفت، به خدا نمی دونم رمزش چیه. گفت،
می دونی... خودتم می دونی که می دونی. منم
می دونم که می دونی. گریه کرد. گفت، دارم...
رو تو می موقعیت بدی می داری... گفت، موقعیت از
اول سینمایی بود... من به کار کوچیک ازت خواستم
فقط. گفت، بهم دتیه عذاب وجدان دارم. گفت،
الان عریه تا اید ایه حرفا... یادت نیست می گفتمی
این عشق را بابت ادم هه... ننگتی می فرار کنیم
به شهر دیگه؟! ننگتی بیایام بکشمیش و صدش
رو درونیم؟! گفت، ناصر؟! گفت، من حتی حاضر
بودم به خاطر قتل کنم... الان برای یه نوشته
کوچیک روی کاغذ داری این بازی رو درمی آری؟
بیشتر گریه کرد. گفت، خودم بهت خود کار و
کاغذ می دم... کافیه راحت بنویسی فقط. گفت،
نمی تونم ناصر... به خدا نمی تونم. گفت، امروز
حالت همچین سر جاش نیست... اذیت نمی کنم...
ولی بعداً برام پیامک کن... یا اصلاً دفعه بعد که
دیدمت برام بنویسی... باهق هق گفت، تو رو خدا...
بگو برای می خوایش؟ ایمیل مجید به چه دره
تو می خوره آخه؟! گفت، برآ خودم نمی خورم.
پس چی؟! برای یکی از دوستانه. در همان حال
که صورتش به هم ریخته و پر از اشک بود. نگاه
کرد و گفت، به خدا که بدونم دوست تو رو واجیر
کرده که به من نزدیک بشی، نمی خشمش. بهت
وابسته شده. نمیدانم بازی می دهی. گفت، تریس...
اون نامرداش نیستن. تا آخرش پات هستم. گفت
دلم حس خوبی نداره. گفت، من تا پای آدم کشتن
همراهت اومدم. الان واسه یه خواسته کوچیک
داری حرم فیلم درمی آری. بگرداش بند نمی آمد.
گفت، باسرم چونم رو هم برات بدهم. با خودم گفت
طلفک این مجید بدنه خدا. این حرف باید به او گفته
می شد نه من. او کسی بود که صبح تا شب جان
می کند. ولی این زن حاضر بود جاش را برای من
بدهد. حاضر بود برای بودن با من دست هاش را
کشیتم. جلال بود که آمارش را به من داد. گفت
شرم می شه. گفت، تریس... تو فقط رمز ایمیلش
بده. من از خجالت درمی آم. گفت، بده هکش کنن.
این روزا خوب بازار این جفگیات گریه. گفت، این
یه مورد فرق داره اق ناصر. راهش فقط همینه. زد
روی شانه ام و گفت، زنش این کارهستم. سلیقه اش
دستمه. اصلاً این نقش فقط مال خودته. گریه اش
زیادی کش آمده بود. داشت حوصله ام راس می برد.
گفتم، خوب حقمر و گذاشتی کف دستم. من این قدر
باهات صادق بودم که راستش رو گفتم. وسط گریه
چیزی گفت که نفهمیدم. شبیه ناله و دهن کشی
بود. بلند شدم. گفتم، مثل اون دفعه زنت خبری نشی
ازت! جوایش را اندادم. گفت، من روزای ندن ناصر...
گفتم، تو هم فیلمات روس کن. گفت، من می میرم
به خدا. مجید فیمیده. یه مدته باهام حرف نمی زنه.
نگاه نه زندگی دارم نه هیچی. فقط تو بامر موندی.
نگاهم کردم. صورتش را رفته و بدحال بود. نگاهم
را دزدیدم. گفتم، من رفته... فقط گفت، ناصر، آرامی
گفت، گفت، اگه تو بخوای باشه. اگه این جور می آری
می شی. ولی تو رو به هرچی می پرستی قسم می دم
کاری نکنی برای مجید اتفاقی بیفته. یک لحظه
مکث کردم. برگشتم و اوضاع و جدات دادونه.
مثل الیاهم راستی راستی روایت دادم. گفت، ناصر، من رو باود کن. از این حرفش بد
آمد. رو گرداندم و رفته. با خودم گفتم دوسه روز
موایلم را خاموش کنم. آدم می شود. همان جا بود
که پیام جلال رسید. داش ناصر چی شد؟ خیلی
کیام کشیده جال رفتی. جوایش را ندادم. چند ساعت
بعد نوشتنم، مرغاره قدقد می کنده. بهم مضی اصاعت
تخم کن. چشم. نوکرمد.

جوان ۱۸ ساله خون به پا کرد

ماجرای درگیری دو پسر جوان در مشهد، به قتل گره خورد



عکس تزیینی

با این اعترافات، کارآگاهان پیس آگاهی
خراسان رضوی به منزل پدری متهم مراجعه
کردند و نوازستند چاقویی را کشف کنند که
در این گریز نقش داشته است.

● علت درگیری تفتش بود؟

با وجود اعتراف متهم، هنوز انگیزه این
فرد برای قتل کسی که از قضا همدیگر را
هم می شناساخته اند، مشخص نشده است و
این گره احتمالاً در ادامه جلسات بازجویی
گشوده می شود.

کشف چاقو از خانه قاتل
بررسی زندگی متهم به قتل نشان می‌داد
که او همراهِ پدر و زن پدرش زندگی می‌کند
و هفته‌ای یکبار در خیابان گلبرگ به خانه
مادرش می‌رود.
با تحویل متهم به پلیس آگاهی برای
تحقیقات بیشتر، متهم اعتراف کرد که چاقو
از خودش بوده است و پس از درگیری که
احتمالاً با اثر کل‌کل‌های جوانی بوده، به
مقتول حمله کرده‌است.

شد که بررسی‌های قضایی نشان می‌داد ضربه هولناکی که به شانه مقتول خورده، نمی‌توانسته است در میان درگیری بوده باشد و احتمالاً از پشت و ناگهانی وارد آمده است.

در این میان از متهم خواسته شد تا صحنه درگیری و ضرب زدن را همان لحظه بازسازی کند، اما او نتوانست این کار را انجام دهد و همین موضوع نشان می‌داد که در حال کتمان حقیقت است.

حوادث خونین ۲۴ ساعت گذشته

محمدحسین سیرجان‌دار ۲۴ ساعتی که گذشت، سه حادثه خونین در نقاط مختلف شهر مشهد رخ داد و تیریه‌های امدادی آتش‌نشانی ضمن نجات جان مصدومان، مانع از گسترش آتش‌سوزی در یک مجموعه اقامتی شدند.

حادثه اول در بزرگراه پامیر اعظم (ع) رقم خورد. در این سانحه رانندگی یک دستگاه خودرو تویوتا شاسی بلند به علتی نامعلوم دچار حادثه و واژگون شد. با اعلام این حادثه، بلافاصله تیریه‌های امداد و نجات ایستگاه‌های ۵۰ و ۳۶ آتش‌نشانی مشهد به محل اعزام شدند. با حضور مأموران مشخص شد که راننده خودرو داخل اتاق خسارت دیده‌ای سواری شاسی‌بلند لوکس مصدوم و مجروح شده است و پس از هراس‌زایی تحویل

عوامل اور ژانس ۱۱۵ شد.

دومین حادثه اما در بولوار خیام مشهد اتفاق افتاد. در این

۵۰۰ زخمی در زلزله خوی

خانه به علت ترس از زمین لرزه دچار سانحه شده‌اند. همچنین این زلزله موجب خسارت ۵۱۰ تا ۵۵۰ درصدی به دویست واحد مسکونی شده است. ذبیح‌آباد کاظمی، فرماندار خوی، نیز گفت: همه ادارات شهرستان در حالت آمادیه‌اش کامل هستند و در صورت بروز حوادث احتمالی، اقدامات لازم انجام خواهد شد. معتمدی، استاندار آذربایجان غربی، نیز بیان کرد: این زمین لرزه به بیش از پانصد واحد مسکونی خسارت وارد کرده و پنجاه واحد مسکونی کاملاً تخریب شده است.

باشگاه خبرنگاران زلزله ای با قدرت ۴/۵ ریشتر شهرستان خوی در شمال استان آذربایجان غربی را لرزاند. بر اعلام مرکز لرزه نگاری مؤسسه ژئوفیزیک اه تهران، این زمین لرزه حوالی ساعت ۴ در عمق ۱۰ کیلومتری منطقه ایماوغلی بان خوی رخ داده است. به گفته اسماعیلی، مدیر بحران شهرستان خوی، تعداد ۲۸ نفر مصدومان و ۲۸ نفر رفسیدگان به بیمارستان این زمین لرزه هنگام ترک

قاجاق تریاک با اتوبوس مسافربری

به اطلاعات دیگری دست یافته که نشان می‌داد متهمان محموله را در یک دستگاه اتوبوس مسافری به جاساز کرده‌اند و در راه مشهد هستند. جانشین فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی ادامه داد: مأموران در عملیاتی غافل گیرانه خودرو را در ورودی مشهد متوقف و در بازرسی از آن ۱۰ کیلوگرم تریاک کشف و ضبط کردند. در این مأموریت سه متهم دستگیر شدند و پس از تشکیل پرونده برای ستم مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.

سیرجانی‌جانشین فرمانده انتظامی
استان خراسان رضوی از کشف یک
محموله افیونی در نزدیکی مشهد
د.

ابراهیم قربان‌زاده در تشریح جزئیات این
ت: مأموران اداره مبارزه با مواد مخدر
در اقدامی اطلاعاتی به سرخنجه‌ایی از
محموله مواد مخدر از استان‌های جنوبی
بد دست یافتند.

قربان‌زاده افزود: پلیس در این عملیات

زن است. نکته مهم این است که چنانچه زوج با ایجاد ضرب و جرح علیه همسرش موبیات خروج او را از خانه فراهم کند، دیگر نمی تواند الزام به تمکین را از دادگاه درخواست کند. زناور چنین وضعیتی الزام به تمکین علاوه بر اینکه موجب تشدید مجازات می شود، با بطلان درخواست تمکین از طرف دادگاه و بدین وجه خواهد شد و زوج می تواند حق طلاق را بدون نیاز به بخشش مهریه یا بخشش مال به همسرش به دست آورد و علاوه بر آن درباره هرگونه صدمه بدنی از جانب همسر طبق قانون مجازات اسلامی، قاضی این حق را دارد که اذیه، قصاص یا حبس و جریمه نقدی را برای ضارب تعیین کند.

را در دادگاه ثابت کند که این صدمه و ایراد
 از جرح از ناحیه شوهر اتفاق افتاده است.
 از کنار گواهی پزشکی قانونی که تأیید
 برای ضرب و جرح از ناحیه همسر است،
 به شهود به خصوص شهادت فرزندان بالغ
 ام نواز و دیگری کتاب پدر و مادر حضور
 می‌تواند از دلایل مثبت ادعای زوجه قیاس
 همچنین اقرار مرد می‌تواند بر اثبات ادعای
 دریافت حق طلاق مؤثر باشد. از آنجا که
 ضرب و جرح از ناحیه همسر ضمانت اجرای
 دارد و دارد، زوجه این حق را دارد که در
 ایات کیفری، نوع ادعای حقوقی را مطرح
 کند و به درخواست طلاق از جانب

فرزانه عمادی آیا زوجۀ فقط با داشتن نامه پزشکی قانونی و اعدای ضرب و جرح، می تواند موافقت دادگاه را کسب کند؟

ضرب و جرح از طرف همسری می تواند حق طلاق را برای زوجۀ ایجاد کند، اما برای استفاده از این حق باید شرایطی هم وجود داشته باشد. در بسیاری از پرونده های طلاق زوجۀ با مراجعه به پزشکی قانونی و دریافت نامه از آن مرجع برای برپا شدن آنکه از نامه زوج مورد ضرب و جرح قهر گرفته است، از ادامه پیگیری پرونده خودداری می کند و منتظر از دادگاه و محکمۀ مجسمه می شود و طلاق از جانب دادگاه می ماند، درحالی که پس از تأیید به پزشکی قانونی دربارۀ برآورد ضرب و جرح،

اثبات ضرب و جرح در دادگاه نوسط همسر

حقوق
مقضا

[illegible]

ادامه دارد...